

کرزی در فکر خود است یا در فکر وطن؟

معضله عدم امضای پیمان امنیتی با امریکا از سوی کرزی، مردم افغانستان را در مجموع دچار سردرگمی و دلهره و هراس از اقتادن سرنوشت کشور بدست پاکستان و بازگشت طالبان مثل دهه ۹۰ قرن گذشته نموده است. بیکاری و فقر روز افزون، همراه با بالا رفتن نرخ مواد اولیه، بی امنیتی و حملات انتحاری در داخل پایتخت، سبب نگرانی و تشوشات روانی مردم گردیده است و جریان کارهای عمرانی متوقف گردیده و سرمایه و سرمایه داران از کشور در حال فرار هستند. دولت توان جلوگیری از بحران رو به وخامت را ندارد. خروج نیروهای بین المللی از افغانستان، بدون تردید موجب قطع کمکهای امریکا و کشورهای ناتو به افغانستان میشود و در نتیجه اردوی ملی و پولیس ملی که متکی به تجهیزات و معاش دالری از امریکا میباشند، از هم می پاشند، و دست مداخلات کشورهای همسایه بخصوص پاکستان در امور داخلی از آستین طالبان دراز میگردد و دیری نخواهد گذشت که سراسر کشور زیر سلطه طالبان با ایده های قرون وسطی شان قرار خواهد گرفت.

لهذا برای جلوگیری از چنین یک فاجعه تاریخی و ضد منافع ملی، بهتر است تا آقای کرزی پیمان امنیتی را که لویه جرگه مشورتی، امضای آنرا با ایالات متحده امریکا تأیید نموده و پارلمان افغانستان و نهاد های جامعه مدنی و اتحادیه ملی ژورنالیستان و سایر عناصر دلسوز و آینده نگر و شخصیت های وطن دوست افغانستان در داخل و خارج کشور، موقف لویه جرگه را تأیید کرده اند، زودتر امضاء کند. اما آقای رئیس جمهور دو پا را در یک کفش نموده میگوید من سیاست بازی نمیکنم و تا شرایط من از سوی امریکا عملی نگردد، سند را امضاء نخواهد کرد.

یکی از نتایج فوری اما بد سیاست بازیهای خطرناک کرزی، اینست که سنای امریکا یک میلیارد و یک صد میلیون دالر را از رقم پیشنهادی رئیس جمهور او باما برای کمک به پروژه های نیمکاره افغانستان در سال ۲۰۱۴، حذف نمود. در واقع موضع گیری کرزی ضربت کمر شکنی به ملت و مردم افغانستان وارد کرد. مردم افغانستان باید این صدمه بزرگ اقتصادی به پیکر کشور زخم خورده و پاره پاره افغانستان را به مثابه خیانت کرزی به ملت تلقی نموده، روزی که دیگر بر اریکه قدرت نباشد وی را مواخذه نمایند.

کمک یک هزار و یک صد میلیون دالر، که هیچ کشور دیگری از حامیان کرزی آنرا جیبیره نمیکند، طبعاً در راه اعمار مکاتب عصری و پوهنتونها یا شفاخانه ها یا اسفالت و ترمیم شاهراه های کابل- قندهار، کابل- مزار شریف، کابل- خوست و یا احداث بندهای برق و کشیدن کانال های آبیاری و پروژه های زراعتی در ولایات خوست، ننگرهار، پروان، بامیان، بدخشان، هلمند و غیره ولایات کشور به مصرف میرسید و در پهلوی آن شاید چند هزار کارگر بیکار و مقام دولتی به عنوان قراردادی نیز از آن بهره مند میشدند.

نیویارک تایمز در مقاله بی زیر عنوان "بازی خطرناک کرزی" نوشت: "در حال حاضر یک دهه بودجه افغانستان، به سختی از حساب درآمد های خود کشور قابل وصول است. در واقع تمامی مصارف نظامی و بودجه توسعه ای از کمک امریکا و متحدان غربی اش تأمین می شود. ... واشنگتن بر امضای هر چه زودتر پیمان اصرار دارد که به حضور نظامیان امریکا تا سال ۲۰۲۴ مشروعیت داده و زمینه را به فراهم آوری میلیارد های دالر کمک های مورد نیاز بین المللی مساعد می نماید. درین جاست که حرکت آقای کرزی برای افغانستان خطرناک است. آقای کرزی به شیوه تخته چرخان قمار روسی، (رولت روسی) با گذاشتن تفنگچه به شقیقه کشور خودش، بازی ای را به راه انداخته که حتی خودش هم درک نمی کند که جاغور چقدر پُر است." (سایت آریائی، ۲۰/۱۲/۲۰۱۳، آرشیف اخبار)

بدبختانه دشمنان اصلی افغانستان، امروز در ارگ ریاست جمهوری در کنار کرزی جا گرفته اند و مانع تمام اقداماتی میگرددند که به خیر و صلاح مملکت باشد. علواً حضور و نفوذ استخبارات کشورهای منطقه در ارگ و سلطه مجرمین جنگی و جنایت کاران در پست های مهم دولتی در مرکز و ولایات کشور، سبب شده تا دوسوم کمکهای بین المللی توسط زورمندان و بلندپایگان دولت کرزی حیف و میل گردد و هیچ پروژه مهم اقتصادی و تولیدی سامان نیابد

وبالنتیجه فقر و تندگدستی و بیکاری ویی سرنوشتی بطرز وحشتناکی افزایش یابد و مخالفان دولت از این وضعیت بهره برداری کرده بیش از پیش تقویت گردند. کرسی با تمام این بدبختی های که دامنگیر دولت و ملت است حاضر نیست به رفع آن بپردازد و در صدد اصلاح کارها برآید، بلکه از بدبختی مردم خود با همین تیم کاری اش راضی به نظر میرسد و میخواید تامتد زیادی قدرتمندان خشن و فاسد و جنگ سالاران جنایت کار او شیره جان مردم فقیر و ناتوان افغانستان را بکنند و ملت را گرسنه تر و فقیر تر و دربرتر ساخته و تا آنها برسرقدرت باشند، مردم در تنور داغ بی عدالتی و فساد دولتی بسوزند و بسازند.

همین اکنون بیکاری و فقر، فغان مردم را به آسمانها بلند کرده است ولی دولت توانائی ایجاد شغل و جلب و جذب نیروهای کار را ندارد. دولت در طول ۱۳ سال گذشته با وجود گرفتن تخمین ۵۰ میلیارد دالر کمک های بین المللی نتوانسته حتی در بخش زراعت و یا تولید انرژی دست به تاسیس پروژه های بزند که در کوتاه مدت مردم را از رنج گرسنگی نجات دهد.

امروز در افغانستان، بیکاری و فقر و صعود نرخهای مواد اولیه، بیداد میکند. بیش از بیست میلیون انسان زیر خط فقر قرار دارند و به همین لحاظ افغانستان چهارمین کشور فقیر و اولین کشور فاسد در جهان بشمار میرود. اکنون در کشور ما صرف دوطبقه مردم وجود دارد: یکی طبقه اغنیا و پولدارها (متشکل از جنگسالاران و قاچاقچیان مواد مخدر و ماموران بلند رتبه و فاسد دولت) که پنج تاده درصد مردم را تشکیل میدهند و دیگری طبقه فقیر و نادار و محتاج نان شب، که ۹۰ تا ۹۵ درصد مردم را تشکیل میدهند. این اکثریت فقیر، چنان در غم پیداکردن نان خانواده خود غرق اند که جزیه شکم اولاد خود به چیز دیگری فکر کرده نمیتوانند. بعضی از این مردم به علت بیکاری و فقر و گرسنگی به خوردن پسمانده های بویناک که خوراک موشها و سگ ها اند، روی آورده اند (مقاله تکانهنده آقای حمید انوری تحت عنوان - حق خود را از دهان شیرمی باید گرفت، نه از دهان سگ- دیده شود) و در برخی موارد دست به فروش کودکان خود میزنند و یا فرزندان جوان خود را در اختیار گروه های عملیات انتحاری قرار میدهند.

بیکاری و فقر، بدترین مرض یک جامعه است. فقر انسان را از اخلاق و شرف و عزت تهی میکند. فقر انسان را وادار به انجام هر عمل پست میسازد. فقر نا امنی بیار می آورد، بد اخلاقی بیار می آورد. جنایت بیار می آورد. باید حکومت علاج فقرا بکند، علاج فقر، ایجاد کار است. هر جا که کار باشد، گرسنگی و فقر رخت برمی بندد. امنیت به جامعه باز میگردد، جلو دزدیها و بد اخلاقی ها گرفته میشود. مردم احساس آرامش میکنند و برای بهبود زندگی خود و جامعه می اندیشند و اخلاقیات بوجود می آید.

کرزی نه شجاعت اعتراف به ناتوانی خود را دارد و نه بر اثر ناکامی اش به وعده های که داده، شرافت مندانه از مقام خود کناره میبرد. او در حالی که جرئت بر طرفی و یا به پنجه قانون سپردن هیچیک از جنایتکاران جنگی و وزیران و والیان فاسد و تبهکار حکومت خود را ندارد، مگر بارها سخن از صداقت همکاران بلند پایه خود زده و میزند و از وزیران نا اهل و والیان غرق در فساد تمجید و تعریف میکند. و احیاناً اگر وزیر یا والی ای را از مقامش پس کرده، فقط جاییش را عوض کرده نه خودش را و یا اینکه او را به مقام بالاتری نشانده و با دادن مدال و امتیازات دیگر از او تمجید کرده است.

کرزی از والی بلخ عطا محمد نور، چنان میترسد که جن ازگفتن بسم الله، عطانور در هنگام کاندیداتوری کرسی ریاست جمهوری چندین مرتبه از برسمیت شناختن کرسی به صفت رئیس جمهور یادآوری نمود و کرسی جرئت هیچگونه جوابی را به او نداشت. وی برای مسافرت به کشورهای خارج هرگز از مرکز مشورت نمیخواهد، و در واقع او خود صاحب دولتی در درون دولت کرسی است که باز و بند امر و نهی کرسی نیست، مگر کرسی دل به این خوش میکند که رئیس جمهور شهر کابل است. عطانور در غصب ده ها هزار جریب زمین های دولتی و فروش آن زمین ها برای ساختن شهرکها و مارکیت های تجاری و مغازه های فروش لوازم لوکس و ته جیب زدن پول فروش زمینها و حیف و میل کردن عواید گمرکات بندر حیرتان توسط وابستگان خود دست آزاد دارد و تا کنون هرگز حاضر به حسابدهی از دارائی شخصی و اجراءات خود به دولت نشده است. کرسی از این جهت در جلوگیری از فساد اداری و تصفیه دولت از وجود عناصر فاسد عاجز است که خودش متهم به فساد است.

کرزی برای پوشاندن این ضعف بزرگ دولتمداری خود، اکنون زور آزمائی با امریکا را که شبیه کشتی پشه با فیل است، شروع کرده و میخواید به دیکته همسایگان طماع و بدخواه افغانستان، از امضای پیمان امنیتی با امریکا به بهانه

های ظاهر آملی گرایانه، خود داری ورزد و بردوران ۱۳ ساله حکومت غرق در فساد و ارتشاء و اختلاس و غارت و چپاول دارائی های عامه و خصوصی و مصاب به بحران بی امنیتی و بی ثباتی، بی عدالتی و بیکاری خود، سرپوش بگذارد و ژست یک رهبر ملی قاطع و دلسوز به حال ملت و مملکت را بازی کند. اما جرئت ندارد بر اراکت پرانی های پاکستان برو لایات شرقی کشور و حتی ایجاد پوسته های سرحدی به عمق پنجاه کیلومتر در داخل خاک افغانستان از سوی نیروهای نظامی پاکستان در ولایات جنوب و شرقی حریفی بزند و دشمن را وادار به عقب نشینی نماید.

تدویر لویه جرگه مشورتی، یکی از این بهانه جوئی های کرزی در برابر امریکا، برای کسب امتیازات خصوصی وی به حساب می آید که برخلاف انتظار وی، امضای آن با اکثریت قاطع اعضای لویه جرگه مشورتی مورد تائید قرار گرفت. به گفته صاحب نظران، امضاء پیمان امنیتی با امریکا یکی از ضرورت های مهم و حیاتی برای تامین ثبات و امنیت در افغانستان پنداشته می شود و دولت افغانستان می باید با درک این ضرورت به امضاء آن مبادرت ورزد. امضاء این پیمان شرایطی را برای دولت افغانستان فراهم خواهد نمود که با استفاده از آن می تواند در برابر دسایس همسایگان با توانمندی بیشتر مقابله نموده و آرامش جانی و روانی مردم را تامین نماید.

تا قبل از خواندن مقاله پرمحتوای آقای داکتر نجیب الله بارکزی، زیر عنوان (کرزی چی مشکلی دارد؟) من تصور میکردم که بزرگترین خبط امریکا در افغانستان، اینست که به جای ایجاد یک دولت سالم متشکل از عناصر تحصیل کرده و نیک نام و مسلکی در رأس ادارات دولت افغانستان، با به قدرت رساندن جنایتکاران و مجرمین جنگی و حمایت از آنها، بزرگترین ظلم را در حق ملت افغانستان مرتکب شده است، ولی پس از مطالعه مقاله ایشان به من روشن گردید، که دولت امریکا بخصوص در عهد بارک اوما، جداً میخواست که کرزی از انتخاب جنایتکاران جنگی (مثل: قسیم فهیم، جنرال دوستم، اسماعیل خان و امثال شان) در پست های مهم دولتی اجتناب ورزد و در مدت حد اکثر شش ماه به برکناری رجال فاسد از بدنه دولت خود بپردازد، ولی کرزی بخاطر حفظ قدرت خود و منافع شخصی و خانوادگی خود، هیچ یک از توصیه های و گفته های مقامات امریکائی را نپذیرفته و صرفاً برای منافع شخصی، با فاسدترین و بدنام ترین عناصر متهم به جنایات جنگی و ضد بشری، همدست شده، افغانستان را به یکی از بدنام ترین کشورهای فاسد در جهان مبدل کرد.

آقای داکتر نجیب بارکزی در مقاله اش به این نکته نیز اشاره کرده که کرزی در یکی از سخنرانی هایش گفته بود: "مردم افغانستان همیشه در جنگ با ابرقدرتها پیروز بوده اند، اما در میدان سیاست باختند، بگذارید بعد از این من سیاست بازی کنم." کرزی با این طرز صحبت، بعد از ۱۲ سال حکومتداری ضعیف و آغشته به فساد خود در سایه توپ و تانک ابرقدرت امریکا و ناتو، اینک قصد کرده تا امریکا را در بازی سیاست شکست دهد و در اولین روند این جنگ سرد یک تعداد عکس هایی را از بیمار دمان نیروهای امریکائی بریکی از دهات غوربند ولایت پروان به نمایش گذاشت که فردای آن روزنامه نیویارک تایمز بجواب کرزی نوشت که گزارش تصویری ریاست جمهوری افغانستان درباره حمله هوایی به روستای وازغر ولایت پروان به رسانهها نادرست و دو عکس این گزارش نیز مربوط به سه سال قبل است. این روزنامه با اشاره به نشر گزارش های دولت افغانستان درباره کشته شدگان غیر نظامی در ولایت پروان نوشته است که این بار حکومت افغانستان کار مشابه طالبان را انجام داده است. به نوشته نیویورک تایمز یکی از این تصاویر مربوط به مراسم خاکسپاری قربانیان در یک حمله هوایی ناتو در سال ۲۰۰۹ بود که در ولایت قندوز در شمال افغانستان توسط گیتی امیج (Getty Images) گرفته شده بود و در مجله تایمز به تاریخ ۵ سپتامبر سال ۲۰۰۹ نشر شد. در این حمله ۷۰ غیر نظامی کشته شده بودند. عکس دوم که کمی خیره و مربوط به دو کودکی است که در کفن پیچانده شده اند. بر اساس همین گزارش این عکس سالها است که در وب سایتها به نام کشتار غیر نظامیان توسط حمله هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان استفاده شده است و اکنون دولت افغانستان و طالبان از آن استفاده می کنند. نیویارک تایمز می نویسد این عکس دو روز پیش قبل از اینکه دولت تصاویر را در سی دی کپی و به رسانهها ارسال کند، در وبسایت طالبان نیز در ارتباط به همین حادثه استفاده شده بود.

والی پروان بصیر سالنگی نیز گفته که در حمله ولایت پروان اعضای ارشد گروه طالبان کشته شدند و هیات حقیقت یاب دولت در گزارشش به رئیس جمهوری "کاملاً از طالبان حمایت کرده است." به گفته او تعداد کشته شدگان غیر نظامی نیز تنها دو کودک بوده و ادعای کشتار بیشتر غیر نظامیان حقیقت ندارد. ("بی بی سی، ۲۶ جنوری ۲۰۱۴)

اینست سیاست بازی کرسی در برابر ابرقدرتی که او را از آغیل گوسفندان چوپانی در ارزگان برون آورد و بر تخت کابل جلوس داد و امروز در برابر ولی نعمت خود دست به حرکات مذبحخانه میزند. این عمل کرسی نشان میدهد که او هنوز در سیاست خام است و به اصطلاح وطنی «خام پورته مُکنه». دومین بازی سیاسی کرسی، اتهام دست داشتن آمریکا در حمله انتحاری رستوران لبنانی در وزیر اکبرخان کابل است که سفیر آمریکا آنرا یک اتهام پوچ و هذیان گونه خواند و قوماندان آیساف بشدت آنرا رد نمود.

مردم افغانستان، که جنگ تباهن سی و چندساله را پشت سر گذاشته اند، بخوبی میدانند که به پا ایستادن دوباره کشور، بدون کمک مالی دول مقتدر غربی و پیش از همه آمریکا، امکان پذیر نیست و چون کشورهای همسایه، حضور آمریکا را در افغانستان، مخل و مانع برای تحقق اهداف خود می بینند، بنابراین سعی میورزند تا علیه مفاد این پیمان تبلیغات زهرآگین نمایند و کرسی را از عواقب امضای این پیمان برحذر دارند و او را مجبور به تعویل خواسته های ناروای خویش سازند. یک چنین رئیس جمهور خود خواه، لج بازویی پروا نسبت به منافع ملت را تاریخ افغانستان و حتی تاریخ منطقه به یاد ندارد. کسانی که از چنین یک رئیس جمهور خود خواه، و دشمن مردم، به دمی یا قلمی یا قدمی حمایت و پشتیبانی میکنند، بدون تردید، عناصر خود فروخته ای خواهند بود که وطن را در بدل منافع شخصی به حراج میگذارند.

اگر رئیس جمهور کشور واقعاً در فکر منافع خود نیست و در فکر وطن و مردم آن می باشد، می باید از سخنرانی های بیجا و غیر ضروری و مثال زندهای نادرست این پیمان با پیمانهای گندمک و دیورند و مقایسه کردن خود با امیر عبدالرحمن خان درگذرد، زیرا مردم میدانند که این پیمان نه از لحاظ محتوا و نه از لحاظ شکل خود با محتوای پیمان های گندمک و دیورند همسان نیست، و نه کرسی در اداره مملکت و ایجاد ثبات و امنیت، دارای سیاست و هیبت و صلابت امیر عبدالرحمن خان است. و نه آمریکا، سیاست انگلیس در قرن ۱۹ را با افغانستان به پیش می برد. بر اساس متنی که در وبسایت وزارت امور خارجه افغانستان نشر شده، در هیچ یک از مواد موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده اشاره ای هم به محدودیت های بر روابط افغانستان با کشورهای دیگر که حتی با ایالات متحده مناسبات دیپلماتیک ندارند مثل ایران، هم نشده است. بلکه بر استقلال کامل، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و وحدت ملی افغانستان تأکید شده است نه اینکه محدودیت های بر آن مثل معاهده گندمک وضع شده باشد که آقای کرسی این موافقتنامه را با آن معاهده در یک ردیف قرار داده است.

از آنجایی که اعضای لویه جرگه ۲۵۰۰ نفری متشکل از تمام اقشار و طبقات و اقوام کشور، با تقبل خطرات حیاتی بالاخره به این نتیجه رسیدند که امضا پیمان به نفع آینده کشور به منظور جلوگیری از خطر جنگ داخلی و دست درازی ها و مداخلات همسایه ها است، میتوان گفت لویه جرگه تصمیمی درست گرفته است، بنابراین امضای این پیمان امنیتی به نفع حال و آینده کشور تشخیص داده میشود. بنابراین کرسی می باید مطابق فیصله و خواست لویه جرگه مشورتی و نظریات و پیشنهادات وطن دوستانه دانشمندی چون داکتر عبدالله کاظم، داکتر نجیب الله بارکزی، نویسنده و ژورنالیست نامدار کشور آقای مبارز و تحلیلگران خوب آقایان عباسی و جلیل غنی و دیگر صاحب نظران دلسوز وطن، با امضای پیمان امنیتی، زمینه بازگشت آرامش روانی مردم، ثبات و امنیت و کار یابی و سرمایه گذاری و کمک های جامعه جهانی بخصوص آمریکا را برای کشور دردمند ما فراهم کند و بر دسایس دشمنان افغانستان چلیپا بکشد.

پایان